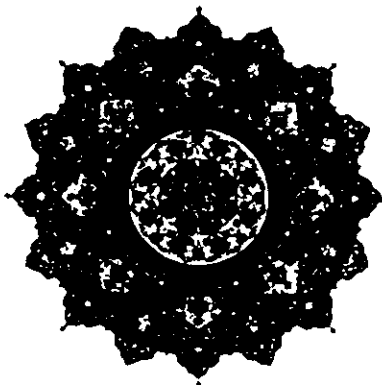


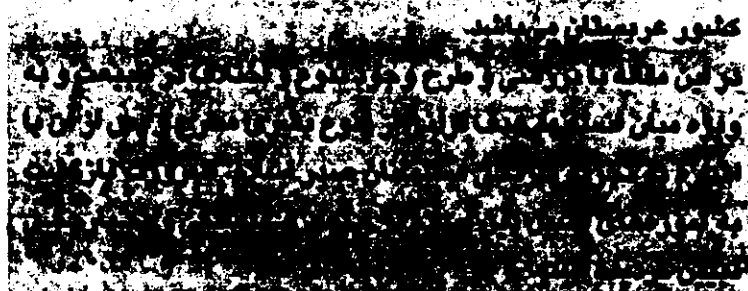
وحدت ملی و همبستگی اسلامی از نگاه قرآن و سنت



نویسنده: حسن صفار
مترجم: صفر سفیدرو
کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

اشاره

ایجاد همبستگی و همدلی میان مسلمانان و اتحاد ملی که امروزه از دغدغه‌های اندیشمندان مسلمان به ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی است، بر آموزه‌های اسلامی و دستورهای قرآن کریم ریشه دارد. مقاله‌ای که پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد، ترجمه و تلخیص کتاب «التنوع والتعايش»^۱ نوشته آقای محسن صفار، از اندیشمندان شیعی برجسته و امام جمعه شیعیان منطقه القطیف



مقدمه

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که از تنوع و گوناگونی حیات بشری سخن می‌گویند؛ اگر چه همه انسان‌ها در انسان بودن مساوی هستند و از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند، اما تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. ویژگی‌های فردی هر کدام از انسان‌ها از جمله این تفاوت‌هاست. مثلاً هر فردی چهره و صدای مخصوص خود را دارد که باعث شناخته شدن او از دیگران می‌گردد.

هم چنین افراد بشر دارای هوش و ذکاوت متفاوتی‌اند و هر کدام نیز در زمینه خاصی از علم، استعداد و علاقه دارند، اگر چه شرایط محیطی نیز در ایجاد فرصت‌های کسب علم و دانش موثر است. قرآن کریم درباره اختلاف سطح علم و دانش مردمان

می‌گوید: «درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است»^۲ برخورداری از سطح اقتصادی و معیشت زندگی انسان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است: بعضی فقیرند و بعضی دیگر ثروتمند. خداوند می‌فرماید: «ما معاش آنان را در زندگی قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی (دیگر) را در خدمت گیرند.»^۳ البته با وجود این تفاوت‌ها امکان ایجاد همزیستی، وحدت و همدلی میان انسان‌ها وجود دارد. به ویژه اینکه آموزه‌های دین مبین اسلام بر این مساله تاکید فراوان دارند. در این نوشتار ابتدا به بیان تفاوت‌ها و تنوع‌ها میان انسان‌ها می‌پردازیم و پس از آن لزوم ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمانان را براساس رهنمودهای قرآن کریم و تجربه تاریخ اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. تنوع نژادی و قومی

به فرموده قرآن کریم نیای همه افراد بشر، یک مرد و یک زن یعنی همان آدم و حواست: «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید، و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکند، بترسید.»^۴ اما با این وجود باگذشت زمان و ادامه نسل بشر و گسترش محل زندگی آنان متناسب با شرایط محیط زندگی و اختلاف آب و هوایی، ظاهر انسان‌ها به شکل‌های گوناگون و متفاوت از یکدیگر پدیدار گشت و نژادهای مختلف بشری در روی زمین شکل گرفت.

۲. تنوع زبانی

وجود انواع گوناگون زبان‌های مختلف، از بارزترین تفاوت‌های به وجود آمده در حیات بشر به شمار می‌رود. دانشمندان در دنیای امروز نزدیک به ۳۰۰۰ زبان اصلی (بدون در نظر گرفتن لهجه‌های محلی) را شناسایی و احصا کرده‌اند. تعداد بسیاری از این زبان‌ها فقط در مجموعه‌های کوچک بشری چند صد یا چند هزار نفری کاربرد دارد. حدود ۱۰۰ زبان نیز رواج بیشتری دارد و بیش از یک میلیون نفر از جمعیت جهان به این زبانها سخن می‌گویند. سرانجام اینکه در میان این همه، ۱۹ زبان بیش از همه گسترش داشته، تا ۵۰ میلیون نفر را پوشش می‌دهد.^۵ زبان چینی، بیش از همه زبان‌ها متکلم دارد، زیرا بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت کره زمین آن را به کار می‌برند، در کشور پهناور هند نزدیک به ۸۵۰ زبان و لهجه محلی وجود دارد.^۶ خداوند متعال این

قدرت را به انسان بخشیده است تا آنچه را که در درون دارد، بازبان و سخن گفتن بیان و اظهار نماید: «انسان را آفرید و او را بیان آموخت»^۷ قرآن کریم همانگونه که آفرینش آسمانها و زمین را یکی از نشانه‌های خداوند معرفی می‌کند، تعدد و تنوع زبان‌های مردم دنیا را نیز از نشانه‌های خالق جهان برمی‌شمارد: «و از نشانه‌های او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شما است»^۸

۳. تنوع ادیان

دین پدیده‌ای عمیق و ریشه‌دار در زندگی انسان به شمار می‌رود؛ در واقع دین بیانگر و تبلور ویژگی تفکر و درک بشری است که انسان را از دیگر مخلوقات متمایز می‌سازد. ویژگی تفکر در انسان سبب می‌شود تا او به دنبال مبدأ پیدایش، هدف از خلقت، سرنوشت انسان، نیز قدرت آفریننده و ارتباط انسان با این قدرت بگردد و آنچه که پاسخ این سؤالات آدمی را می‌دهد، دین و عقیده اوست.

از آنجا که انسان موجودی است برخوردار از اندیشه و فهم، از همان آغاز حیات بشری، دین همراه و همزاد او بوده؛ به همین دلیل بعضی از دانشمندان تاریخ ادیان معتقدند که دین با آغاز تاریخ حیات بشری روی زمین، یعنی حدود دو میلیون سال پیش آغاز گشته است.^۹

از این رو شمار بسیاری از مورخان باور دارند که در طول تاریخ، ملل و جوامع زیادی بوده‌اند که از هیچ علم، دانش، هنر، فلسفه و تمدنی برخوردار نبوده‌اند، اما هیچ جامعه انسانی را بدون دین نمی‌توان یافت.

همانگونه که تنوع و تفاوت در ابعاد مختلف زندگی بشر پدیدار گشته، در زمینه دین نیز این تنوع مشاهده می‌شود. اما خداوند سبحان، انسان را سرگردان رها نکرده تا در برابر امواج سؤالات بی‌پناه بماند، بلکه برای یافتن پاسخ صحیح، پیامبران را فرستاد تا بشر را به دین استوار و صراط مستقیم رهنمون سازند.

یادآوری این نکته ضروری است که نقش پیامبران تبلیغ رسالت و دین خداوند می‌باشد، ایشان مردم را به پذیرش دین الهی مجبور نمی‌کنند؛ به همین دلیل هم مردم به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گروهی که دعوت پیامبران را اجابت کرده و ایمان می‌آورند و گروه دوم کسانی هستند که از دین خداوند روی برتافته و در باورهای خرافی خود غوطه‌ورند؛ «آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران (وظیفه‌ای) است؟ و در

حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگوید): خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید. پس گروهی از ایشان هدایت یافتند و گروهی نیز سزاوار گمراهی شدند.»^{۱۰} با توجه به آیات قرآن کریم درباره ادیان، در می‌یابیم که آیات بسیاری به ادیان مختلف بشری اشاره دارد. در این باره بیان چند نکته مهم به نظر می‌رسد:

اول: وجود تنوع و تعدد دینی را نمی‌توان نادیده انگاشت: «در دین هیچ اجباری نیست.»^{۱۱}

«دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.»^{۱۲}

دوم: مؤمن در دعوت دیگران به دین خود باید شیوه مناسب را در پیش گرفته، از جدل و جنجال بپرهیزد: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.»^{۱۳} سوم: انسان در دینداری و انتخاب عقیده باید رسیدن به حقیقت را هدف خویش قرار دهد، پس برای جستجوی حقیقت و یافتن راه راست نسبت به ادیان و آرای دیگر نیز باید تحقیق و بررسی نمود «آنان که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند.»^{۱۴}

گفتگوی میان ادیان نیز باید در فضایی کاملاً آرام و براساس احترام متقابل انجام گیرد تا نتیجه بخش باشد: «و با اهل کتاب جز به (شیوه‌ای) که بهتر است مجادله مکنید.»^{۱۵} چهارم: اختلاف ادیان در میان بشر نباید به درگیری و نزاع منجر شود؛ زیرا اصل و اساس در میان مردم جهان، همزیستی مسالمت آمیز و یکپارچگی و داشتن روابط براساس احترام متقابل می‌باشد؛ البته اگر کسی در پی دشمنی با مخالفان برآید، باید با او برخورد کرد: «خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما نجانگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید.»^{۱۶} البته اسلام از جریحه دار کردن احساسات پیروان دیگر ادیان نهی کرده، حتی اگر بت پرست باشند؛ زیرا ناسزاگویی به مقدسات دینی آنان باعث می‌گردد که آنان نیز به مقدسات مسلمانان توهین کنند و ناسزاگویند: «و آنهایی را که جز خدا را می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی (و) به نادانی خدا را دشنام خواهند داد.»^{۱۷}

تنوع و اختلاف از دیدگاه اسلام

دیدگاه اسلام درباره تنوع و تمایز میان فرزندان آدمی چیست؟

با تدبیر در قرآن کریم و مطالعه آگاهانه احادیث و سنت پیامبر (ص) و سیره پیشوایان مسلمین می‌توانیم دیدگاه روشن و شفافی را درباره موضوع به دست آوریم.

۱۴

قرآن کریم دینگان و عقول بشر را به تأمل و تفکر درباره تنوع خلقت رهنمون می‌سازد. در حالی که ریشه تمامی مخلوقات جهان به یک چیز برمی‌گردد؛ این تنوع نشانگر قدرت و عظمت پروردگار است که نیکو جهانی آفریده؛ تبارک الله احسن الخالقین.

در پشت پرده این تنوع، اسرار و اسبابی نهفته است تا انسان به اندیشه فرو رود و برای درک آن تلاش و کوشش نماید و بدون علم و دانش به آن اسرار دست نخواهد یافت.

قرآن کریم شمار زیادی از مظاهر تنوع در خلقت و حیات را برشمرده است تا انسان‌ها را به تأمل و تفکر فراخواند. بعضی از مهم‌ترین دلایل این تنوع عبارتند از:

۱. تنوع به منظور شناخت

تنوع نتیجه تمایز در فرهنگ‌ها، روش‌ها و شرایط زندگی و یا عوامل دیگری می‌باشد. این تنوع پدیده آمده در حیات بشر راهی است برای شناخت و ارتباط جوامع مختلف بشری، زیرا هر مجموعه انسانی می‌خواهد واقعیات دیگر مجامع را بشناسد؛ چرا که انسان ذاتاً دانستن را دوست دارد و به علم و دانش گرایش دارد. از همین روی می‌خواهد با دیگر ابنای بشر ارتباط برقرار کند و با آنان آشنا گردد.

همچنین هر امتی می‌خواهد از وضعیت دیگر امت‌ها آگاه باشد تا از تجربه آنان استفاده کند و اگر نقاط ضعفی را در میان آنان مشاهده کرد آنها را از خود دور سازد. از همین روی قرآن کریم به حقیقت تنوع بشری اشاره می‌کند و آن را راهی برای شناخت یکدیگر معرفی می‌کند: «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت، ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.»^{۱۸}

۲. رقابت سازنده

کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که هر ملت و مجموعه بشری می‌خواهد در برابر دیگر مردمان موقعیت خود را تحکیم نماید و آن را تثبیت کند. اما راه مناسب تحقق چنین هدفی چیست؟

به نظر ما برای رسیدن به این مقصود دو روش وجود دارد:

اول: تلاش برای نابودی و به ضعف کشانیدن دیگران؛ اگر این هدف محقق شود و یک مجموعه بتواند جلوی پیشرفت دیگران را بگیرد، در میدان رقابت، خود قوی می‌ماند. زیرا قدرت مزاحمی برای خود باقی نمی‌گذارد.

دوم: تمرکز بر تقویت خود و رشد توانایی‌ها به منظور پیشی گرفتن از دیگران. راه اولی روش نزاع و درگیری است اما راه دوم یک رقابت سازنده قلمداد می‌شود. مثال ساده آن مسابقه دو میدانی است. در نظر بگیرید دو نفر در یک مسابقه دو شرکت کرده‌اند. هر کدام از این دو تلاش می‌کند تا مسافت بیشتری بدود و جلو بیافتد. یادآور می‌شویم که ایجاد درگیری و کشمکش برای جلو افتادن از دیگران، خسارت زیادی روی دست انسان گذاشته و شمار زیادی قربانی گرفته است. در موارد زیادی انسان‌ها به جای اینکه توان خود را صرف عمران و آبادی کره زمین کنند، انرژی خود را صرف نابودی دست آوردها و منافع دیگران کرده‌اند.

قرآن کریم نیز انسانها را به استفاده از واقعیت «تنوع» در جهت ایجاد روحیه رقابت سازنده و مثبت فرا می‌خواند تا هر گروه از راه ساختن خویش و تلاش در انجام امور خیر و شایسته و خدمت رسانی بتواند برتری و پیشرفت خود را به اثبات برساند: «برای هر یک از شما (امت‌ها) شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد ولی (خواست) تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست. آن گاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد.»^{۱۹}

یکی از مفسران در ذیل این آیه چنین می‌نویسد: «در این آیه قرآن کریم به چرایی تفاوت موجود میان کتب آسمانی و پیروان ادیان مختلف پاسخ داده است. این پاسخ در چند نکته قابل تبیین می‌باشد:

الف. هر امتی با رفتار و حرکات مادی و معنوی خاص خود از دیگر امت‌ها متمایز می‌گردد. اقتصاد هر امت، رفتار فردی اعضای امت و مسائل اجتماعی آن (و هر آنچه که «شريعة» نامیده می‌شود از دیگران متفاوت می‌باشند. همچنان که زبان، فرهنگ و رویکردهای یک امت (و هر آنچه که «منهاج» نامیده می‌شود) با زبان، فرهنگ و رویکرد دیگر امت‌ها متفاوت است.

ب. این تفاوت فطری و ناشی از نوع خلق انسان‌ها، طبیعت تفاوت در حیات و بازخورد این تفاوت در وجود بشر می‌باشد. وگرنه خداوند می‌توانست انسان را نیز



مانند پرندگان، ماهی‌ها و... یک امت واحد قرار دهد بی آنکه اختلاف قابل توجهی میان آنها مشاهده شود.

ج. وجود تفاوت برای زندگی انسان‌ها سودمند می‌باشد، و این امر انسان را به رقابت و شتاب گرفتن در انجام امور خیر فرامی‌خواند چون هر طایفه و گروه برای محقق ساختن پیشرفت و برتری خود بر دیگران تلاش می‌کنند تا نظام‌های زندگی را بهتر بشناسند. از این رو در تاریخ تمدن‌های بزرگی را می‌بینیم که به دلیل رقابت و پیکار گروه‌ها و اقوام با یکدیگر شکل گرفته‌اند. و رقابت این اقوام موجب فروپاشی و تخریب در درون امت نگردیده است.

د. وجود این تفاوت نباید موجب گردد هر گروه برای از بین بردن این تفاوت خواه با نابود سازی و خواه با مشاجره‌های لفظی و کلامی در صدد حذف دیگران برآید. بلکه باید تمام اهتمام هر گروه دستیابی به دستاوردهای بزرگتر از دستاوردهای رقیب باشد، چراکه این هستی آنقدر گسترده است که حیات را برای همگان ممکن ساخته است.

حکمت خداوند در ایجاد تفاوت میان انسان‌ها، آزمودن آنها براساس میزان توان ذاتی و امکانات طبیعی است که برای هر گروه و امتی فراهم ساخته است تا روشن شود کدام گروه شناخت و آگاهی از حیات و در به تسخیر درآوردن آن و در نتیجه کدام گروه در ایمان و عمل صالح برتر از دیگر اقوام می‌باشد.^{۲۰}

بنابراین زندگی دنیوی میدان شکوفایی توان و انرژی انسان و بروز شایستگی‌ها و پیشرفت می‌باشد. رستگاری و پیروزی نیز از آن شایسته‌ترین خواهد بود.

راه‌های هم زیستی

اگر دو شرط اساسی را رعایت کنیم، می‌توانیم بر اشکالات تنوع بشری غالب شویم و به یک سطح از هم زیستی مسالمت آمیز دست یابیم:

شرط اول: تضمین حقوق و منافع طرف‌های مختلف

اگر هر یک از مجموعه‌های بشری احساس کند که حقوقش از سوی طرف دیگر نادیده گرفته شده و به منافعش دست‌اندازی شده، شرایط هم زیستی مسالمت آمیز فراهم نمی‌شود. معمولاً در جوامع بشری درگیری و نزاع زمانی رخ می‌دهد که گروهی به حقوق و منافع گروه دیگر دست یازد و در نتیجه گروهی که به آن تعدی شده

مانند پرندگان، ماهی‌ها و... یک امت واحد قرار دهد بی آنکه اختلاف قابل توجهی میان آنها مشاهده شود.

ج. وجود تفاوت برای زندگی انسان‌ها سودمند می‌باشد، و این امر انسان را به رقابت و شتاب گرفتن در انجام امور خیر فرامی‌خواند چون هر طایفه و گروه برای محقق ساختن پیشرفت و برتری خود بر دیگران تلاش می‌کنند تا نظام‌های زندگی را بهتر بشناسند. از این رو در تاریخ تمدن‌های بزرگی را می‌بینیم که به دلیل رقابت و پیکار گروه‌ها و اقوام با یکدیگر شکل گرفته‌اند. و رقابت این اقوام موجب فروپاشی و تخریب در درون امت نگردیده است.

د. وجود این تفاوت نباید موجب گردد هر گروه برای از بین بردن این تفاوت خواه با نابود سازی و خواه با مشاجره‌های لفظی و کلامی در صدد حذف دیگران برآید. بلکه باید تمام اهتمام هر گروه دستیابی به دستاوردهای بزرگتر از دستاوردهای رقیب باشد، چراکه این هستی آنقدر گسترده است که حیات را برای همگان ممکن ساخته است.

حکمت خداوند در ایجاد تفاوت میان انسان‌ها، آزمودن آنها براساس میزان توان ذاتی و امکانات طبیعی است که برای هر گروه و امتی فراهم ساخته است تا روشن شود کدام گروه شناخت و آگاهی از حیات و در به تسخیر در آوردن آن و در نتیجه کدام گروه در ایمان و عمل صالح برتر از دیگر اقوام می‌باشد.^{۲۰}

بنابراین زندگی دنیوی میدان شکوفایی توان و انرژی انسان و بروز شایستگی‌ها و پیشرفت می‌باشد. رستگاری و پیروزی نیز از آن شایسته‌ترین خواهد بود.

راه‌های هم زیستی

اگر دو شرط اساسی را رعایت کنیم، می‌توانیم بر اشکالات تنوع بشری غالب شویم و به یک سطح از هم زیستی مسالمت آمیز دست یابیم:

شرط اول: تضمین حقوق و منافع طرف‌های مختلف

اگر هر یک از مجموعه‌های بشری احساس کند که حقوقش از سوی طرف دیگر نادیده گرفته شده و به منافعش دست‌اندازی شده، شرایط هم زیستی مسالمت آمیز فراهم نمی‌شود. معمولاً در جوامع بشری درگیری و نزاع زمانی رخ می‌دهد که گروهی به حقوق و منافع گروه دیگر دست یازد و در نتیجه گروهی که به آن تعدی شده

مانند پرندگان، ماهی‌ها و... یک امت واحد قرار دهد بی آنکه اختلاف قابل توجهی میان آنها مشاهده شود.

ج. وجود تفاوت برای زندگی انسان‌ها سودمند می‌باشد، و این امر انسان را به رقابت و شتاب گرفتن در انجام امور خیر فرامی‌خواند چون هر طایفه و گروه برای محقق ساختن پیشرفت و برتری خود بر دیگران تلاش می‌کنند تا نظام‌های زندگی را بهتر بشناسند. از این رو در تاریخ تمدن‌های بزرگی را می‌بینیم که به دلیل رقابت و پیکار گروه‌ها و اقوام با یکدیگر شکل گرفته‌اند. و رقابت این اقوام موجب فروپاشی و تخریب در درون امت نگردیده است.

د. وجود این تفاوت نباید موجب گردد هر گروه برای از بین بردن این تفاوت خواه با نابود سازی و خواه با مشاجره‌های لفظی و کلامی در صدد حذف دیگران برآید. بلکه باید تمام اهتمام هر گروه دستیابی به دستاوردهای بزرگتر از دستاوردهای رقیب باشد. چراکه این هستی آنقدر گسترده است که حیات را برای همگان ممکن ساخته است.

حکمت خداوند در ایجاد تفاوت میان انسان‌ها، آزمودن آنها براساس میزان توان ذاتی و امکانات طبیعی است که برای هر گروه و امتی فراهم ساخته است تا روشن شود کدام گروه شناخت و آگاهی از حیات و در به تسخیر در آوردن آن و در نتیجه کدام گروه در ایمان و عمل صالح برتر از دیگر اقوام می‌باشد.^{۲۰}

بنابراین زندگی دنیوی میدان شکوفایی توان و انرژی انسان و بروز شایستگی‌ها و پیشرفت می‌باشد. رستگاری و پیروزی نیز از آن شایسته‌ترین خواهد بود.

راه‌های هم زیستی

اگر دو شرط اساسی را رعایت کنیم، می‌توانیم بر اشکالات تنوع بشری غالب شویم و به یک سطح از هم زیستی مسالمت آمیز دست یابیم:

شرط اول: تضمین حقوق و منافع طرف‌های مختلف

اگر هر یک از مجموعه‌های بشری احساس کند که حقوقش از سوی طرف دیگر نادیده گرفته شده و به منافعش دست‌اندازی شده، شرایط هم زیستی مسالمت آمیز فراهم نمی‌شود. معمولاً در جوامع بشری درگیری و نزاع زمانی رخ می‌دهد که گروهی به حقوق و منافع گروه دیگر دست یازد و در نتیجه گروهی که به آن تعدی شده

حتی اگر بسیار کوچک و ضعیف هم باشد، از برقراری روابط مناسب با دیگر گروه‌ها خودداری می‌کند و همیشه به دنبال انتقام است.

به همین دلیل، قرآن کریم به لزوم رعایت حقوق دیگران و عدم تعدی به مخالفان تأکید فراوان می‌کند. مؤمنان حق دارند، در صورتی که کافران به آنها حمله کردند، از خود دفاع کنند، اما نباید پا را از مرز دفاع فراتر نهند و دست به تجاوز بزنند: «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، ولی از اندازه در نگذیرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.»^{۲۱}

شرط دوم: احترام متقابل

انسانیت، جوهر واحد و مشترک میان تمام بنی آدم است، پس باید همه انسان‌ها، علی‌رغم داشتن گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت، به یکدیگر احترام بگذارند، زیرا همگی در جوهره انسانی با یکدیگر مساوی‌اند. امام علی (ع) می‌فرماید: «مردم دو قسم‌اند، یا برادر دینی تو هستند و یا در خلقت مانند تو می‌باشند.»^{۲۲}

قرآن کریم مسلمانان را به داشتن رابطه حسنه با مخالفان دینی خود و نیز ارتباط براساس احترام متقابل، احسان، رعایت حقوق تشویق می‌کند؛ البته تا زمانی که آنان با مسلمانان رابطه مسالمت‌آمیز داشته باشند و علیه ایشان دست به تجاوز نزنند. خداوند می‌فرماید: «خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست دارد.»^{۲۳}

پیمان‌ها و معاهدات صلح را که پیامبر (ص) با قبایل یهود، مجامع نصرانی و گروه‌های مشرک عرب، بسته بودند، نمونه‌هایی است که بیان می‌کند، اسلام به دنبال برقراری روابط انسانی مثبت با افراد مختلف به منظور یک زندگی مشترک و مسالمت‌آمیز است. تاریخ اسلام نشان می‌دهد، مسلمانان به دلیل تعالیم و آموزه‌های اسلامی، به این پیمان‌ها و معاهدات پای بند بودند، زیرا قرآن می‌فرماید: «و به پیمان وفا کنید، که از پیمان پرشش خواهد شد.»^{۲۴} و نیز «و آنان که چون عهد بستند، به عهد خود وفا دارند.»^{۲۵}

۱. شهروندی ادیان مختلف

در اولین سال تأسیس جامعه اسلامی در مدینه، پیامبر (ص) قانون سیاسی اداری را برای اداره جامعه و دولت نوپای اسلامی وضع کرد که به نام «صحیفه مدینه»



معروف گشت؛ این صحیفه شهروندی غیر مسلمان را در ایجاد جامعه جدید به رسمیت شناخت و وظایف، حقوق و منزلت آنان را مانند دیگر شهروندان مسلمان قلمداد کرد.

در یکی از بندهای این صحیفه که پیامبر (ص) نوشتن آن را دستور فرمودند، آمده است: «یهود بنی عوف با مؤمنان یک امت هستند، یهود بر دین خود و مسلمانان هم تابع دین خود باشند و در این حکم تفاوتی میان خودشان و بندگانشان نیست مگر آن که کسی ستم یا گناهی کند که خود و خانواده اش را به هلاکت می اندازد. یهود بنی نجار نیز مانند بنی عوف چنین اند...»^{۲۶}

مرحوم علامه محمد مهدی شمس الدین در تحلیل این موضوع می گوید:

این موارد نشان می دهد که اسلام اندیشه تاسیس جامعه سیاسی متنوع را در یک دولت و نظام واحد براساس دین اسلام پذیرفته است که همه مردم از حق کامل شهروندی برخوردار گردند و در ایجاد دولت شرکت جویند. شرط نکرده است که برای تاسیس دولت اسلامی باید همه جامعه به طور کامل و خالص اسلامی باشند...^{۲۷}

۲. امت واحد و قومیت های مختلف

خداوند متعال حضرت محمد (ص) را از میان مردم عرب به پیامبری برگزید تا به عنوان آخرین پیامبر، دین اسلام را به بشر عرضه کند. مشیت الهی این گونه بود که زبان عربی، زبان این رسالت باشد: «روح الامین آن را به دلت نازل کرد تا از هشدار دهندگان باشی؛ به زبان عربی روشن»^{۲۸} به این ترتیب جزیره العرب سرچشمه دین اسلام گشت و جامعه عربی منبع انتشار این دین الهی به شمار می رود. اما این واقعیت به این معنا نیست که اسلام در انحصار عرب ها باشد. بلکه اسلام دین خداوند برای همه افراد بشر است و همه بنی آدم را در برمی گیرد. قرآن کریم می فرماید: «و ما تو را جز بشارت گر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم»^{۲۹} و نیز می فرماید: «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم»^{۳۰}

ارزش ها، مفاهیم و آموزه های اسلام، دارای افقی جهانی و انسانی است که تمام اقوام، نژادها و ملت ها را در برمی گیرد. در آغاز اسلام، کسانی که به این دین الهی گرویدند و در راه اعتلای آن تلاش و مجاهدت کردند، فقط مردمان عرب نبودند، بلکه از نژادها و اقوام مختلفی در بنای جامعه اسلامی شرکت داشتند. در واقع جامعه اسلامی براساس تنوع نژادی و قومی پایه گذاری شد.

سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی از جمله کسانی هستند که در بنای ساختمان عظیم جامعه اسلامی، در کنار مردان قریش و جوانان یثرب به خوبی درخشیدند. اگر به هویت شخصیت‌ها و دانشمندان اسلامی نگاهی گذرا بیفکنیم، می‌بینیم، که افراد مختلفی با ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت در پی‌ریزی تمدن رفیع اسلامی سهم داشته‌اند؛ این موضوع نشان می‌دهد که اسلام، دینی است که همه ملت‌ها را از عرب، فارس، ترک، کرد، سیاه و... را در آغوش خود گرفته و همگی در سایه ارزش‌های اسلامی در بنای این تمدن دست به دست هم داده‌اند.

نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کنم، موضوع زبان هر ملتی است. همه می‌دانیم که زبان قرآن، زبان عربی است و شایسته است که هر مسلمانی با هر قومیتی زبان عربی را برای درک و فهم بهتر قرآن، فراگیرد. اما این سخن بدین معنا نمی‌باشد که به اجبار همه مسلمانان باید تنها به زبان عربی روی آورند. بلکه همه در حفظ زبان خویش یا یادگیری زبان مورد علاقه خود آزادند که این امر از نظر اسلام به طور کامل تأیید شده است.

همچنان که لازم نیست هر مسلمانی با فردی از ملت و قوم خویش ازدواج کند، بلکه آزاد است تا با هر مسلمانی، از هر نژاد و رنگ و ملیتی ازدواج کند، مؤید این سخن نیز ازدواج‌هایی است که در زمان پیامبر گرامی اسلام میان افراد مختلف از قومیت‌های متفاوت اتفاق افتاد.

۳. اصول ثابت؛ تنوع در مذاهب

مسلمانان در فهم مسایل عقیدتی و فقهی به دو منبع اساسی کتاب خداوند و سنت پیامبر (ص) استناد می‌جویند؛ اینان با ابزار عقل و اندیشه به برداشت مسایل دینی از این دو منبع پرفیض الهام می‌جویند و همین امر سبب گشوده شدن باب اجتهاد، گستردگی و تعدد آراء و اختلاف در نتایج و برداشت‌ها شده است.

تفاوت برداشت‌ها از نص شرعی، از همان آغاز و در زمان پیامبر (ص) نیز اتفاق می‌افتاد؛ اما آن حضرت متعرض آن نمی‌شدند، زیرا امری کاملاً طبیعی بود. به عنوان مثال پیامبر گرامی اسلام برای حمله به یهود بنی قریظه فرمان دادند که منادی در میان مردم ندا سردهد که «هر کس که فرمان را شنید و فرمانبردار است، نماز عصر را ننگارَد مگر در محل بنی قریظه». اعلام این فرمان پس از فرارسیدن وقت نماز ظهر بود.



برداشت اصحاب از این فرمان (که نماز عصر را نخوانند مگر در بنی قریظه) دو گونه شد. گروهی گفتند منظور پیامبر (ص) شتاب برای حرکت به طرف بنی قریظه است نه به تأخیر انداختن نماز عصر؛ این گروه نماز عصر را در راه و قبل از رسیدن به بنی قریظه به جای آوردند. اما گروه دیگر از صحابه از این فرمان فهمیدند که نماز عصر باید در محل بنی قریظه خوانده شود. حتی اگر پس از غروب آفتاب به آنجا برسند. اتفاقاً آنان با تأخیر و پس از غروب به آن جا رسیدند و موقع عصر نماز به جای نیاوردند.^{۳۱}

هر دو گروه معتقد بودند از دستور پیامبر (ص) پیروی کرده‌اند، وقتی خبر به آن حضرت رسید، ایشان به هیچ یک از صحابه عتاب و اعتراض نکردند.

هم چنین در میزان حفظ و پذیرش سنت نبوی میان مسلمانان اختلاف به چشم می‌خورد. زیرا گاهی صحابه یا فقیهی بر حدیثی از پیامبر (ص) دست می‌یافت و به آن عمل می‌کرد؛ در حالی که دیگر اصحاب از آن اطلاعی نداشتند و همین موضوع سبب اختلاف در برداشت از مسایل می‌شد. هم چنین عوامل دیگری نیز بودند که زمینه تفاوت برداشت اصحاب از سیره نبوی را فراهم می‌کرد.

البته نباید از نظر دور داشت که شرایط سیاسی و اجتماعی نیز در شکل‌گیری آرا، نظرات و برداشت‌ها و نشر و گسترش آنها دخالت داشت.

به این ترتیب با گذشت زمان در تاریخ اسلام مکاتب فکری متنوعی پدید آمد و سبب تشکیل مذاهب فقهی و عقیدتی در میان مسلمانان گشت. البته همیشه تنوع فقهی و فکری مستلزم بروز اختلاف و ایجاد تفرقه نمی‌باشد، بلکه در مراحل اولیه تشکیل این مذاهب در دوران طلایی تاریخ امت اسلامی، نه تنها تعدد آرا سبب تفرقه نبود بلکه فضایی فراهم کرد برای غنی‌سازی فقه اسلامی و بهره‌گیری از آرا و دیگر نظرات. به ویژه ائمه مذاهب که با یکدیگر ارتباط و تعامل داشتند، حتی اگر دلایل طرف دیگر را منطقی می‌دیدند، دست از رای و نظر خویش می‌کشیدند.

بدین گونه با ظهور مکاتب فکری و جریان‌های فقهی مختلف، دستاورد بزرگی در زمینه فقه و اندیشه اسلامی نصیب مسلمانان گشت.

شیخ محمد ابوزهره در این باره می‌نویسد:

«این اختلاف استعدادها را شکوفا کرد و بدون هیچ گونه جمودی توانایی

دانشمندان را به سوی تدوین علوم اسلامی سوق داد و میراث عظیم فقهی را برای مسلمانان به ارث گذاشت. بدون هیچ گونه اغراقی باید گفت اگر ثروتی را که فقهای

اسلام به جای گذاشتند با «قانون یونان» مقایسه کنیم می بینیم که قانون یونان که این همه موجب فخر و غرور اروپایی ها شده با یک دهم میراث فقهی ما برابری نمی کند.»^{۳۲}

رابطه میان امامان و علمای مذاهب یک رابطه علمی و همراه با احترام متقابل بود. زید بن علی بن حسین پیشوای مذهب زیدی، با علمای زمان خویش رابطه مستحکمی داشت. علمای معاصر وی نیز از این چهره بهره می جستند. واصل بن عطا با او ارتباط داشت و از او کسب فیض می کرد. هم چنین ابوحنیفه با او در ارتباط بود و از دانش او بهره می گرفت و به او تمایل زیادی داشت و به شدت از او حمایت می کرد. وی درباره خروج زید علیه لشکریان اموی می گوید: «خروج او، به مانند خروج پیامبر (ص) در روز جنگ بدر است.»^{۳۳}

ابوحنیفه امام مذهب حنفی با امامان شیعه از فرزندان حضرت علی (ع) ارتباط داشت. وی به ایشان احترام می گذاشت و بدون آنکه تشیع و پیروی از آنان را بپذیرد از ایشان بهره می جست. از طرفی هم به ایشان خیلی محبت داشت. ابوحنیفه از زید بن علی، امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، عبدالله بن حسن بن حسن علم آموخت بدون اینکه از نظر فکری تابع آنها باشد.^{۳۴}

از ابوحنیفه روایت است که روزی منصور به او گفت، مردم سوال های مشکلی را آماده کرده اند تا جعفر بن محمد (امام صادق (ع)) را بیازمایند. او می گوید، من نیز در این جلسه حاضر شدم و دیدم جعفر بن محمد کنار منصور نشسته است به طوری که هیبت و شکوه او بیش از هیبت منصور من را گرفت. من نیز پرسش هایی از او پرسیدم. او پاسخ گفت: نظر شما چنین است، مردم اهل مدینه در این باره نظرشان چنین است و نظر ما نیز اینگونه است... ابوحنیفه می گوید: همانا دانشمندترین مردمان آگاه ترین ایشان به نظرات مختلف مردم است.^{۳۵}

هم چنین مالک بن انس، امام مذهب مالکی در مجلس امام صادق شرکت می جست، او می گوید: «به نزد جعفر بن محمد می رفتم، او مردی شوخ طبع و خندان بود... مدت زمانی که با او بودم یا نماز می خواند یا روزه داشت و یا قرآن می خواند.»^{۳۶} مالک فضایل زیادی را از امام نقل کرده است. تنوع و تعدد مکاتب فکری و فقهی و اختلاف آرا و نظرات علما و فقها نتیجه طبیعی اجتهاد است، امکان ندارد که باب اجتهاد مفتوح باشد اما همه نظرات یکسان باشند.

پژوهشگری در این باره می گوید:

اجتهاد فریضه‌ای اسلامی و همیشگی است، زیرا اجتهاد وسیله استنباط احکام جزئی شرعی از منبع وحی الهی و بیان نبوی است. بقا و استمرار شریعت اسلامی نیز به آن بستگی دارد تا احکام شرعی را براساس مقتضیات زمان و مکان استخراج نماید و در واقع در هر زمان برگروهی واجب است تا به مرحله اجتهاد دست یابند. می‌بینیم وقتی مجتهدان متعدد شدند، ناچار اجتهاد آنان نیز متنوع خواهد شد و مکاتب و جریانات فکری متفاوتی متبلور خواهد گشت. اجتهاد چه بخواهیم و یا نخواهیم تعدد آرا را به دنبال دارد. اما یک نکته بسیار مهم به نظر می‌رسد و آن اینکه نظر مجتهد برای او و مقلدانش الزام آور است نه بر دیگر مجتهدان و مقلدان. این موضوع یک قاعده و قانون مهم و دقیق در اندیشه دینی اسلام به شمار می‌رود.^{۳۷}

با این توصیف می‌بینیم رفتار امامان و فقهای صالح امت در برابر تنوع و تعدد آرا و مذاهب بر احترام متقابل استوار بود؛ امام صادق (ع) به شاگردانش امر می‌فرماید که موقع پاسخ به پرسش دینی مردم نظر دیگر مذاهب را نیز بازگو نمایند. آن حضرت به یکی از شاگردان خاصش «ابان بن تغلب» که در مسجد شریف نبوی برای افتاء حاضر می‌شد، فرمود: «آنچه را که از نظرات ایشان (ائمه مذاهب) می‌دانی برای مردم بیان کن.»^{۳۸}

زمانی که هارون الرشید تصمیم گرفت کتاب «الموطأ» مالک بن انس را به عنوان یک قانون عمومی و همگانی بر کعبه بیاویزد و همگان از آن آگاهی یابند، مالک بن انس به دلیل احترام به نظر دیگر مذاهب، این خواسته هارون را نپذیرفت.^{۳۹}

واقعیتی تلخ

آنچه که بر شمردیم ابعاد تابناک تاریخ اسلام بود. زمانی که مسلمانان به ارزش‌ها، آموزه‌ها و آداب اسلامی پایبند بودند و با وجود داشتن نژاد و مذهب متفاوت در یک حالت انسجام و یکپارچگی، همکاری و هم‌زیستی به سر می‌بردند. اما متأسفانه تاریخ مسلمانان، چهره‌ای غم‌انگیز نیز دارد که بیانگر تعصب، دشمنی و کینه توزی است. در این دوران خون‌های زیادی ریخته شد و حقوق مردم پایمال گشت. زیرا آن روحیه پذیرش تنوع آرا و نظرات از میان مسلمانان رخت بریست. مسلمانان در برهه‌هایی از تاریخ خود از ظلم و ستم حاکمان اسلامی رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. اختلاف رأی و مذهب سبب دشمنی و کینه توزی فراوانی در جامعه اسلامی

می‌شد. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که تاریخ و فرهنگ ما، کاملاً با دیدگاه اسلام و روش همزیستی انسانی مطابقت دارد. مادر کنار دوران طلایی و تابناک تاریخ اسلامی و وجود انسجام امت مسلمان شاهد اقدامات دشمنانه میان مسلمانان نیز هستیم که از ساحت مقدس اسلام به دور است.

ویژگی‌های خصمانه زمانی بروز کرد که جامعه اسلامی از دستورات الهی دور شد و جهالت و تاریک اندیشی بر جامعه حکم فرما گشت.

اکنون ما وظیفه داریم ارزش‌های حقیقی اسلام را آشکار کنیم و با درس گرفتن از نقاط ضعف و قوت گذشته‌مان به اصلاح جامعه اسلامی پردازیم تا بتوانیم با خطرات و چالش‌هایی که امت مسلمان را تهدید می‌کند، رویارویی کنیم. بسیاری از عوامل جنگها و بحران‌های جهان سوم و رنج و سختی‌های ملت‌های در حال توسعه به وجود فضای درگیری میان جریان‌های مختلف، عدم پذیرش دیگران و نبود روحیه همزیستی و فقدان مشارکت در بنای یک زندگی آزاد و همراه با خوشبختی برمی‌گردد.

عوامل اختلاف برانگیز

با وجود شفافیت دیدگاه اسلام در قبول دیگران و همزیستی مسالمت‌آمیز با ایشان حتی با پیروان دیگر ادیان و نیز چالش‌ها و خطراتی که امروز امت اسلامی را تهدید می‌کند و از طرفی عصر ارتباطات و پیشرفت علمی به شمار می‌رود. امت اسلامی دچار یک بیماری مزمن است که نمی‌گذارد این امت از جای خود برخیزد و به یک وحدت، انسجام و یکپارچگی دست یابد!!

این بیماری خطرناک، چیزی نیست جز همان تعصب مذهبی که بر سر امت مسلمان سایه انداخته و در بسیاری از کشورها و مناطق درگیری‌های مذهبی پدید آورده است. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «کسی که به اندازه یک دانه خردل عصبیت در قلبش باشد، خداوند او را در روز قیامت با اعراب جاهلیت محشور می‌گرداند»^{۴۰} و نیز می‌فرماید: «کسی که به عصبیت فراخواند، از ما نیست؛ کسی از روی عصبیت بجنگد از ما نیست و کسی که به عصبیت بمیرد از ما نیست.»^{۴۱}

مسلمانان در بسیاری از مناطق جهان اسلام دارای مذاهب متفاوت می‌باشند و با وجود اینکه همگی فرزندان یک دین، یک میهن و یک ملیت می‌باشند نمی‌توانند در یک محیط منسجم با هم همکاری داشته و به طور مسالمت‌آمیز زندگی کنند و

شاهد درگیری و نزاع در میان آنها هستیم. معمولاً نیز گرایش‌های مذهبی و طائفه‌ای در میان آنان نمایان است. آیا اختلاف در مذهب توجیه‌گر و علت این همه نزاع و کشمکش می‌باشد؟! همه مذاهب اسلامی از قرآن و سنت شریف نبوی سرچشمه می‌گیرند و همگی آنها بر اصول مشترکی اتفاق دارند مانند: ایمان به خداوند، نبوت حضرت محمد(ص)، اعتقاد به آخرت، وجود قبله واحد یعنی همان کعبه، نماز، روزه، زکات و بلاخره اینکه اینان تنوع و تعدد مذهبی را از نیاکان خود به ارث برده‌اند و خود اختراع نکرده‌اند.

پس علت این همه نزاع میان مسلمانان چیست؟

به نظر ما علل آن عبارت است از:

۱. بی‌خبری نسبت به دیدگاه و آموزه‌های اسلام.

۲. اخلاق ناپسندی که از خودخواهی، منفعت‌طلبی و عصبیت سرچشمه می‌گیرد.

۳. تلاش دشمنان خارجی و داخلی برای دامن زدن به اختلافات.

همزیستی مسالمت‌آمیز، راه درمان

وقتی که شهروندان مسلمان دارای مذاهب متفاوتی هستند، برای تعامل با یکدیگر سه راه پیش روی دارند:

۱. راه اول: تلاش برای تحمیل مذهب خود بر دیگران؛ پیروان هر مذهبی تلاش کنند تا عقاید خود را به دیگر مذاهب تحمیل نمایند تا دیگران به اعتقادات ایشان گردن نهند. زیرا آنان معتقدند که تنها مذهب خودشان محق‌تر می‌باشد و خود را مکلف می‌دانند تا مذهب خویش را نشر و گسترش دهند. انتخاب این روش اشکال شرعی دارد؛ زیرا پذیرش اعتقاد از روی اجبار و زور نمی‌باشد. قرآن می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین»^{۲۲} بلکه باید از روی رغبت و اندیشه باشد. همچنین شرع مقدس اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان دیگران را به پذیرش اعتقادات خویش مجبور سازند تا آنان نیز به خداوند ایمان بیاورند. خداوند نیز چنین حقی را به پیامبر(ص) نداده، می‌فرماید: «پس تذکر بده که تو تنها تذکر دهنده‌ای، و بر آن تسلطی نداری.»^{۲۳} و نیز «پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که ایمان بیاورند؟»^{۲۴} در عمل نیز تجربه نشان داده است که اگر اندیشه و اعتقادی به مردم تحمیل گردد آن‌را نمی‌پذیرند

بلکه به اعتقادات و مذهب خود پایبندتر می‌شوند. نمونه بارز آن نبرد ملت‌های مسلمان است که در سلطه کشور کمونیستی شوروی سابق قرار داشتند.

مانند این وضعیت را ما خود نیز شاهد بوده‌ایم که بعضی از جریان‌ها به دلیل داشتن اکثریت و قدرت تلاش می‌کردند تا رای و مذهب خود را تحمیل کنند، اما تاثیر آن محدود و موقتی بود.

۲. راه دوم: درگیری و دشمنی؛ به گونه‌ای که پیروان هر مذهب در سنگر مذهب خویش موضع بگیرند و برای رویارویی با مذهب دیگر آماده مقابله باشند، در این صورت جو دشمنی و تشنج بین مذاهب حاکم می‌شود و گروهی که قوی‌تر است به نبرد علیه گروه دیگر می‌پردازد و گروه دیگر نیز در پی انتقام... و بدینگونه یک جامعه مسلمان وارد درگیری و جنگ داخلی می‌شود. در این وضعیت همه زیان می‌بینند و فرصت مناسبی نیز برای دشمنان اسلام و کشور فراهم می‌کند تا بتوانند نقشه‌ها و توطئه‌های خود را به انجام برسانند. جنگ داخلی لبنان و درگیری‌های خونین طایفه‌ای کنونی در پاکستان از نمونه‌های بارز این دشمنی است.

۳. راه سوم: همزیستی؛ به این معنا که هر طرف بپذیرد که طرف مقابل نیز حق دارد عقاید خود را داشته باشد و به شعائر مذهبی خود عمل نماید و همه مردم شهروندانی عادی هستند با حقوق و وظایف یکسان که همگی برای دستیابی به منافع عمومی و دفع خطر مشترک با هم همکاری کنند. دستور اسلام نیز همین است و راه ائمه اسلام و علمای برجسته و آگاه نیز چنین بوده است. عقل سلیم و منطق نیز حکم می‌کند که مردمان در یک میهن واحد زندگی مسالمت‌آمیز پیشه کنند. امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «مصلحت مردم در زندگی مسالمت‌آمیز است.»^{۴۵}

پی‌نوشتها:

۱. تنوع و همزیستی مسالمت‌آمیز.
۲. یوسف: ۷۶.
۳. زخرف: ۳۲.
۴. نساء: ۱.
۵. الموسوعة العربية العالمية، ج ۱، ص ۱۱۹، ۱۹۹۶، ریاض.
۶. کتاب غینس لالرقام القیاسیة، ص ۱۵۰، ۱۹۹۳، دار طلاس للدراسات و الترجمة و النشر، دمشق.
۷. الرحمن: ۳-۴.
۸. روم: ۲۲.

٩. الموسوعة العربية العالمية، ج ١٠، ص ٥٤٩.
١٠. نحل: ٣٤-٣٥.
١١. بقره: ٢٥٤.
١٢. كافرون: ٤.
١٣. نحل: ١٢٥.
١٤. زمر: ١٨.
١٥. عنكبوت: ٤٦.
١٦. ممتحنه: ٨.
١٧. انعام: ١٠٨.
١٨. حجرات: ١٣.
١٩. مائدة: ٤٨.
٢٠. محمدتقي مدرسي، من هدى القرآن، ج ٢، ص ٣٩٣، چاپ دوم، ١٤٠٧ هـ. ق.
٢١. بقره: ١٩٠.
٢٢. نهج البلاغه، نامه شماره ٥٣.
٢٣. ممتحنه: ٨.
٢٤. اسراء: ٣٤.
٢٥. بقره: ١٧٧.
٢٦. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ٢، ص ١٢٣-١١٩.
٢٧. محمد مهدي شمس الدين، في الاجتماع السياسي الاسلامي، ص ٢٩٠.
٢٨. شعراء: ١٩٥-١٩٣.
٢٩. سبأ: ٢٨.
٣٠. انبيا: ١٠٧.
٣١. محمد احمد باشميل، موسوعة الغزوات الكبرى، ج ٤، ص ١٤٧، قاهره، ١٩٨٦.
٣٢. محمد ابوزهره، تاريخ المذاهب الاسلامية، ص ٣٠٢، دارالفكر العربي، قاهره، ١٩٨٩.
٣٣. همان، ص ٤٥.
٣٤. همان، ص ٣٦١.
٣٥. همان، ص ٦٩٣ با تلخيص.
٣٦. همان، ص ٣٩٧.
٣٧. محمد عماره، روزنامه الحيات ١٠/٢٧/١٤٢٧ هـ. ق، مقاله «فريضة الاجتهاد تقنين للتعددية والاختلاف».
٣٨. سيد ابوالقاسم خوئي، معجم رجال الحديث، ج ١، ص ١٤٩، چاپ چهارم، ١٤١٠ هـ. ق.
٣٩. محمد ابوزهره، همان، ص ٤٣٠.
٤٠. اصول كافي، ج ٢، ص ٣٠٨.
٤١. سنن ابى داود، ج ٢، باب فى العصبية، حديث شماره ٥١٢١.
٤٢. بقره: ٢٥٤.
٤٣. غاشيه: ٢٢.
٤٤. يونس: ٩٩.
٤٥. بحار الانوار، ج ٧١، ص ١٦٧، دار احياء التراث العربي، ١٩٨٣، بيروت.